

## تحلیل و بررسی مبانی تشکیل دهنده جرم تبانی علیه امنیت کشور در فقه

نویسنده: احسان فرخی<sup>۱</sup>

### چکیده

جرم تبانی علیه امنیت کشور، یکی از مسائل اساسی در تحلیل و بررسی جرائم امنیتی است. تبانی به معنای توافق و همدستی پنهانی میان افراد برای ارتکاب جرم یا اقداماتی به منظور ارتکاب جرم تعریف شده و امنیت ملی به معنای وضعیت مصونیت کشور از تهدیدات داخلی و خارجی است که به حفظ استقلال و حاکمیت ملی کمک می‌کند. هدف این مقاله، تحلیل و بررسی مبانی تشکیل دهنده جرم تبانی علیه امنیت کشور است. مطالعه تاریخی و فقهی نشان داده است که تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی در فقه اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و به عنوان اقدامی که ممکن است به صورت جدی به امنیت جامعه آسیب بزند، ارزیابی شده است. در فقه اسلامی، تبانی به عنوان یک جرم با ویژگی‌های خاص، تحت اصولی همچون قاعده سد ذرائع (مسدود کردن راه‌های ورود به فساد)، تجری و قاعده حرمت اعانت بر اثم (حرمت کمک به ارتکاب جرم) بررسی شده است. این اصول به طور خاص بر جرم‌انگاری تبانی تأثیر گذاشته‌اند و به تحلیل این مبانی فقهی پرداخته شده است. در حقوق مدرن، تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور در قوانین مختلف، از جمله قانون مجازات عمومی سال ۱۹۰۵، جرم‌انگاری شده و مبانی حقوقی مرتبط با آن مشخص شده است. این قوانین، به ویژه بر تبانی به عنوان نوعی همکاری پنهانی برای ارتکاب جرم تأکید کرده و برای آن مجازات‌های ویژه‌ای تعیین کرده‌اند. این مقاله همچنین به تحلیل شاخص‌های جرایم ضد امنیت پرداخته و تفاوت‌های آن‌ها با جرائم عادی را بررسی کرده است. شاخص‌های جرایم ضد امنیت شامل تهدید جدی به استقلال کشور، نقض حاکمیت ملی، و آسیب به نظام سیاسی هستند که این جرایم را از جرائم عادی متمایز می‌سازد. این مقاله نشان داده است که تبانی علیه امنیت کشور، به عنوان یک جرم خاص با ویژگی‌های منحصر به فرد، نیازمند تحلیل دقیق و مبنای قوی فقهی و حقوقی است تا بتوان به طور مؤثر با آن مقابله کرد و امنیت ملی را حفظ نمود.

<sup>۱</sup> طلبه درس خارج حوزه علمیه قم

## واژگان کلیدی: تبانی، جرم، امنیت ملی

### مقدمه

جرم تبانی علیه امنیت کشور، به عنوان یکی از موضوعات اساسی و پیچیده در عرصه تحلیل جرائم امنیتی، جایگاه ویژه‌ای دارد. تبانی به معنای توافق و همدستی پنهانی میان افراد برای ارتکاب جرم یا اجرای اقداماتی به منظور ارتکاب جرم تعریف می‌شود. این نوع جرم در چارچوب امنیت ملی قرار می‌گیرد، که هدف آن حفاظت از کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی و حفظ استقلال و حاکمیت ملی است.

برای فهم و تحلیل جرم تبانی، ضروری است که به بررسی دقیق‌تر مبانی تشکیل‌دهنده آن پرداخته شود. این جرم اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا می‌تواند به طور مستقیم به امنیت ملی آسیب رسانده و ثبات و آرامش کشور را به خطر اندازد. درک جامع این موضوع نیازمند توجه به مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری تبانی و همچنین تحلیل شاخص‌های جرایم ضد امنیت است.

تحقیقات تاریخی و فقهی در این حوزه حاکی از آن است که تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی در فقه اسلامی به عنوان عملی که ممکن است به طور جدی به تهدید امنیت اجتماعی منجر شود، شناخته شده است.

در فقه اسلامی، اصولی نظیر قاعده سد ذرائع، قاعده تجری و قاعده حرمت اعانت بر اثم به‌ویژه در زمینه جرم‌انگاری تبانی مورد استفاده قرار گرفته و تأثیرات قابل توجهی در جرم‌انگاری این نوع اقدامات داشته‌اند.

در نظام‌های حقوقی مدرن نیز، تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور در قوانین مختلف، از جمله قانون مجازات عمومی سال ۱۹۰۵، به طور مشخص جرم‌انگاری شده است. این قوانین با تعیین مجازات‌های ویژه برای تبانی، به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با امنیت ملی، به مقابله با این نوع جرائم پرداخته‌اند.

مقاله حاضر با هدف بررسی دقیق و جامع جرم تبانی علیه امنیت کشور، به تحلیل و تبیین مبانی این جرم پرداخته است. این مقاله همچنین مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری تبانی را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل شاخص‌های جرایم ضد امنیت و تفاوت‌های آن‌ها با جرائم عادی پرداخته است. با تحلیل دقیق این ابعاد، مقاله تلاش می‌کند تا درک عمیق‌تری از این پدیده پیچیده ارائه دهد و راهکارهای مؤثری برای مقابله با آن ارائه کند.

## ۱. تبانی

تبانی به معنای همکاری یا همدستی مخفیانه میان افراد است. همچنین به معنای نزدیکی، همبستگی، و توافق دو یا چند نفر برای انجام کاری به صورت محرمانه و نیز بستن پیمان یا توافق به شکل پنهانی می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۸۸)

قانون‌گذار تعریف دقیقی از واژه‌ی "تبانی" ارائه نداده و صرفاً به ذکر کلی آن در متن قانون اکتفا کرده است. اما در دکترین حقوقی، "تبانی" به عنوان توافق یا هماهنگی میان دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم، یا انجام اقداماتی خاص به منظور تسهیل ارتکاب جرم تعریف شده است. (سلیمان موسی، ۲۰۰۹، ص ۱۵۰)

## ۲. امنیت

واژه‌ی "امنیت" ریشه‌ای عربی دارد و از کلمه‌ی "أمن" گرفته شده است. این واژه به معنای وضعیت یا حالتی است که در آن از هرگونه تهدید یا حمله مصونیت وجود دارد، به معنای ایمنی، بی‌خطری، و همچنین آمادگی برای مقابله با هر تهدید یا حمله تعبیر می‌شود. (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۸)

امنیت به معنای وضعیتی خاص است که به یک کشور امکان می‌دهد با اتکا به قدرت ملی خود، در برابر تهدیدات نظامی، اقتصادی، و فرهنگی خارجی مصون بماند و همزمان فعالیت‌های اساسی برای توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، انسانی، و حفظ وحدت ملی و سازندگی را دنبال کند. امنیت، مفهومی پویا و متغیر

است که بسته به شرایط نظام حکومتی و عدالت کیفری، معانی و ارزش‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. (ولیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰)

### جرائم علیه امنیت:

در مورد مفهوم و قلمرو جرائم امنیتی، دیدگاه واحد و مشخصی وجود ندارد و اختلاف نظرها در این زمینه، باعث تضییع حقوق عمومی شهروندان شده است. قانون‌گذار نیز، بدون ارائه تعریفی از امنیت، تنها به ذکر نمونه‌هایی از جرائم علیه امنیت اکتفا کرده است.

برخی از حقوقدانان بر این باورند که جرائم علیه امنیت، به جرائمی اطلاق می‌شود که به تمامیت سیاسی، ارضی یا حاکمیت کشور آسیب می‌زنند. تمامیت سیاسی به معنای استقلال و عدم وابستگی کشور است. جرائمی مانند جاسوسی و همکاری با دولت‌های متخاصم از جمله جرائمی هستند که در این دسته قرار می‌گیرند. (پورباقرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱)

اگر امنیت را به معنای مصونیت از تعرض تعریف کنیم، به گونه‌ای که افراد جامعه بدون هیچ ترس و هراسی از حقوق طبیعی خود بهره‌مند شوند، در این صورت امنیت ناشی از ذات حقوق بشر خواهد بود. در واقع، آنچه که لازمه‌ی حقوق و آزادی‌های مشروع است، مصونیت این حقوق از هرگونه تعرض و دور ماندن از تمامی مخاطرات است.

به طور کلی، جرائم علیه امنیت به جرائمی گفته می‌شود که به‌طور مستقیم به نظم و امنیت کشور آسیب می‌زنند و اقتدار حاکمیت را تضعیف می‌کنند.

### ۳. جرم انگاری تبانی

#### ۱-۳ تبانی در فقه

مهم‌ترین منبع نظام حقوقی و قوانین موضوعه ایران، فقه امامیه است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه برجسته‌ای در نظام حقوقی ایران پیدا کرده و تأثیر قابل‌توجهی بر قوانین مجازات اسلامی گذاشته است. نمونه‌ای از این تأثیرگذاری، جرم‌انگاری تبانی علیه امنیت است. در این بخش به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در برخورد با کسانی که قصد برهم زدن امنیت جامعه اسلامی را داشتند، اشاره می‌کنیم.

در روایات آمده است که گزارشی به پیامبر رسید مبنی بر اینکه خانه سویلیم یهودی به مرکز تجمع منافقان و فعالیت‌های ضد اسلامی تبدیل شده است و آنها در آنجا نقشه می‌کشند تا مسلمانان را از شرکت در جهاد مقدس بازدارند. پیامبر برای ارباب توطئه‌گران و جلوگیری از تکرار چنین افکار شیطانی، طلحه بن عبیدالله را مأمور کرد تا با گروهی از یاران شجاع خود، خانه را در هنگام برگزاری جلسه به آتش بکشند و ترس و هراس شدیدی در بین آنها ایجاد کنند. طلحه توطئه‌گران را در حالی که در گرماگرم سخنرانی و نقشه‌کشی بودند، غافلگیر کرد و خانه را آتش زد. همه آنها از میان شعله‌های آتش فرار کردند و یکی از آنها پایش شکست. (زراعت، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹)

همچنین یکی دیگر از مواردی که می‌شود به آن در باب تبانی در طول تاریخ اسلام به آن اشاره کرده، مسائل مربوط به مسجد ضرار است که بعضی در آنجا برای تفرقه افکنی میان مسلمان جمع می‌شدند و در این مورد بر علیه امنیت مسلمانان تبانی می‌کردند.

آیه ۱۰۷ سوره توبه می‌فرماید: "آنان که مسجدی برای زیان به اسلام برپا کردند و هدفشان کفر، عناد و تفرقه میان مسلمانان بود و همچنین ساختن کمینگاهی برای دشمنان دیرینه خدا و رسول، و با این حال با سوگندهای مؤکد ادعا کردند که تنها قصد خیر دارند، خداوند گواهی می‌دهد که آنها به‌راستی دروغ می‌گویند".

در ادامه آیه ۱۰۸ سوره توبه نیز می‌فرماید: "ای پیامبر ما، هرگز در آن مسجد (مسجد ضرار) نماز نخوان، چرا که مسجد قبا که از ابتدا بر پایه تقوا و استقامت بنیان شده، سزاوارتر است که در آن نماز گزارده شود. در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفس خود هستند، وارد می‌شوند و خداوند مردان پاک و مذهب را دوست می‌دارد".

از ماجرای مسجد ضرار می‌توان نتیجه گرفت که تبانی علیه امنیت جامعه اسلامی، حتی اگر به مرحله اجرایی نرسد، می‌تواند جرم‌انگاری شود تا از وقوع جرائم شدیدتر علیه امنیت جامعه پیشگیری گردد. مجازاتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای این نوع رفتار در نظر گرفت، مجازات تعزیری بود. (کد خبر: <https://farsi.khamenei.ir/1933804819/3304>)

## ۲-۳ تبانی در حقوق

برای نخستین بار قانون‌گذار در قانون مجازات عمومی سال ۱۹۰۵ به جرم‌انگاری تبانی پرداخت و در مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ آن را جرم‌انگاری کرد. ماده ۱۰۳ قانون مجازات عمومی ۱۹۰۵ چنین بیان می‌کند: هرگاه دو نفر یا بیشتر با هم جمع شوند و توافق کنند که جرمی جنحه یا جنایی علیه امنیت خارجی یا داخلی کشور، یا علیه اساس حکومت ملی و آزادی، یا علیه آبرو، جان یا اموال مردم مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم کنند، به ترتیب زیر محکوم خواهند شد:

۱. اگر تجمع و توافق برای ارتکاب جنحه باشد، فرد مرتکب به حبس تأدیبی از هشت روز تا سه ماه محکوم می‌شود.
۲. اگر تجمع و توافق برای ارتکاب جنایت علیه نوامیس، نفوس یا اموال باشد، فرد مرتکب به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.
۳. اگر تجمع و توافق برای ارتکاب جنایت علیه امنیت داخلی کشور یا علیه اساس حکومت ملی و آزادی باشد، فرد مرتکب به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال یا به اقامت اجباری از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.
۴. اگر تجمع و توافق برای ارتکاب جنایت علیه امنیت خارجی کشور باشد، فرد مرتکب به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.

## ۴. مبانی فقهی جرم‌انگاری تبانی

### الف: قاعده‌ی سد ذرایع

یکی از راهکارهای اصلی برای مقابله با ارتکاب جرم، مدیریت و محدود کردن عوامل و شرایطی است که به وقوع جرم منجر می‌شوند. در آموزه‌های اسلامی، ممنوعیت یا جرم‌انگاری مواردی مانند تهیه و تدارک ابزارهای ارتکاب جرم، اشتغال به کارهایی که منجر به حرام یا جرم می‌شوند و موارد مشابه، به عنوان اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم تلقی می‌شوند. (میر محمد صادقی، عصمتی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱)

سد به معنای متوقف کردن و جلوگیری کردن است، و «ذرایع» که جمع «ذریعه» می‌باشد، به معنای وسیله یا ابزار است. در اصطلاح، این عبارت به معنای پیشگیری از هر عملی است که به طور معمول منجر به فساد یا پیامدهای ناپسند می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه ق، ص ۵۴۱)

ذرایع به معنای ابزارهایی است که به احکام پنجگانه تکلیفی، شامل حرام، حلال، مکروه، مستحب و مباح، منجر می‌شوند. اگر این ابزارها به فساد و حرام منتهی شوند، برای جلوگیری از آنها از اصطلاح «سد ذرایع» استفاده می‌شود و اگر این ابزارها به حلال منجر شوند، اصطلاح «فتح ذرایع» به کار می‌رود. بنابراین، سد ذرایع به معنای جلوگیری از هر اقدامی است که به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به حرام عمل می‌کند. (همان، ص ۵۴۲)

علمای شیعه این موضوع را تحت عنوان «مقدمه حرام» بررسی کرده‌اند. بر اساس این دیدگاه، اگر مقدمه‌ای به طور کامل یا به عنوان جزء آخر علت تامه برای وقوع عمل مجرمانه در جهان خارج عمل کند، آن مقدمه حرام است. اما اگر تنها به عنوان یکی از مقدمات فراهم‌کننده شرایط عمل باشد، حرام نیست. مگر اینکه با وجود این مقدمه، فرد قصد انجام فعل حرام را داشته باشد که در این صورت، حتی در علل فراهم‌کننده نیز مقدمه حرام، خود حرام خواهد بود. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ص ۷۷)

## ب: تجری

تجری در لغت از ریشه «جرأ» به معنای جسارت و شهادت آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۴)

تجری در اصطلاح به معنای مخالفت عملی با یک حکم الزامی الهی، چه واجب و چه حرام، بر اساس باور شخص انجام‌دهنده است؛ در حالی که تصور او نادرست بوده و در واقعیت هیچ مخالفتی رخ نداده است. برای مثال، فردی که به اشتباه فکر می‌کند مایعی که می‌نوشد شراب است، اما بعداً معلوم می‌شود که آن مایع در واقع آب بوده است. (حکیم، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴)

در مورد حکم تجری میان علما اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند که عمل فرد متجری تنها از نظر عقلانی ناپسند است و برخی دیگر با استناد به پیوند میان عقل و شرع یا بر اساس حکم ثانوی، تجری را از نظر شرعی نیز حرام و مستوجب مجازات دنیوی و اخروی می‌دانند. در مقابل، برخی دیگر به دلیل اینکه تجری را فاقد ناپسندی عملی می‌دانند، استحقاق عقاب اخروی را قبول ندارند. با این حال، همه متفق‌القول هستند که در تجری، ناپسندی در رفتار شخص وجود دارد و فرد متجری شایسته سرزنش و توبیخ است. از آنجا که توبیخ نوعی تعزیر خفیف به شمار می‌رود، می‌توان گفت که همه فقها اتفاق نظر دارند که فرد متجری مستحق تعزیر خفیف است؛ افزون بر این، در مواردی که تجری علیه منافع عمومی باشد و خطرناکی فرد متجری آشکار شود، حتی فقهای مخالف حرمت تجری نیز معتقدند که می‌توان با استناد به حکم حکومتی یا حکم ثانوی، تعزیر متناسب را تعیین کرده و یا فرد متجری را تحت اقدامات تأمینی و تربیتی قرار داد. (شمس ناتری، آل طه، ۱۳۹۸، ص ۹۶)

بین تجری و جرم تبانی شباهت‌های زیادی وجود دارد؛ از جمله اینکه با وقوع تبانی یا تجری، هیچ فساد یا ضرر واقعی به وقوع نمی‌پیوندد و صرفاً با تبانی یا تجری، در دنیای خارج از ذهن فرد متجری یا مجرم، هیچ جرم یا عمل حرامی محقق نمی‌شود. با این حال، هر دو مفهوم نشان‌دهنده حالت خطرناک و آمادگی فرد برای ارتکاب جرم یا عمل حرام شرعی هستند. به همین دلیل، برخی به جرم‌انگاری تبانی و تحریم و مجازات تجری قائل شده‌اند. (میر محمد صادقی، عصمتی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹)

### ج: قاعده حرمت اعانت بر اثم

اعانه در لغت از ریشه "عون" به معنای کمک، یاری، و حمایت است. اثم نیز به معنای گناه در نظر گرفته می‌شود، یعنی عملی که غیرمجاز و ناپسند باشد. (ابن منظور، پیشین، ج ۱۲، ص ۵) مرحوم حلی هر چیزی را که به کمک و حمایت از عمل حرام بینجامد، حرام دانسته است؛ مانند فروش سلاح به دشمنان اسلام. (حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳)



مرحوم نراقی در مورد تحقق مفهوم اعانه، مالک را در معصیت و حرمت، به انجام عملی مشخص با نیت معصیت می‌شناسد؛ چه آن عمل در واقعیت تحقق یابد و چه نیابد. در مقابل، مالک برای تحقق اعانه، علاوه بر انجام عمل معین با قصد معصیت، تحقق آن عمل در واقعیت را نیز ضروری می‌داند. بنابراین، اگر فردی با نیت حرام، عملی را انجام دهد، آن عمل به خاطر نیت حرام او خود حرام است؛ اما اگر عملی که او به آن کمک کرده، در عمل واقع شود، حرمت آن از جهت کمک به گناه خواهد بود. (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۷۹)

با توجه به اینکه اعانه از جمله مسائل عملی است، برای درک مفهوم آن باید به عرف مراجعه کرد. به دلیل عدم وجود تعریف واحد در رابطه با مفهوم عرفی، فقهای شیعه از گذشته تاکنون ضوابط مختلفی برای توضیح مفهوم عرفی اعانه ارائه داده‌اند. با اینکه این تعاریف ممکن است در بیان متفاوت باشند، اما در عمل با یکدیگر هم‌خوانی دارند. در هر جایی که یقین به صدق عرفی اعانه وجود داشته باشد، در آنجا اعانه بر اثم صادق است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵)

با توجه به اینکه مصادیق اعانه بر اثم محدود به موارد خاصی نیست و شناسایی آن‌ها به صورت عرفی انجام می‌شود، می‌توان گفت که تبانی و تحریک به ارتکاب جرم علیه امنیت عمومی نیز در برخی شرایط به عنوان اعانه بر اثم شناخته می‌شود. این شامل مواردی مانند تشویق به جرم، یاری رساندن به مجرم، آماده‌سازی مقدمات و فراهم کردن شرایط برای ارتکاب جرم نیز می‌شود. به عبارت دیگر، هرگونه کمک و حمایت در ارتکاب جرم، چه از طریق تشویق، فراهم کردن ابزار و امکانات، یا ایجاد شرایط مساعد برای انجام جرم، می‌تواند به عنوان مصداقی از اعانه بر اثم در نظر گرفته شود. (میرزائی، ۱۳۹۹، ص ۲۷)

### د: مقدمه حرام

یکی از اصول فقهی که شباهت زیادی با جرم تبانی دارد، قاعده «مقدمه حرام» است. این قاعده به بررسی این مسئله می‌پردازد که اگر فردی قصد ارتکاب عمل حرامی را داشته باشد، آیا انجام مقدمات آن عمل نیز از نظر شرعی حرام است یا خیر. به عبارت دیگر، در قاعده مقدمه حرام، بررسی می‌شود که آیا اقدام به انجام مراحل و مقدمات لازم برای تحقق یک عمل حرام، مانند

خریدن ابزار و وسایل مورد نیاز، خود حرام است یا نه. برای مثال، اگر فردی قصد کشتن شخصی را داشته باشد، آیا خرید اسلحه برای انجام این قتل، از نظر شرعی حرام است یا خیر.

در مورد تبانی نیز می‌توان به همین نحو فکر کرد. تبانی به معنای توافق و همکاری میان افراد برای ارتکاب جرم است. سوال این است که آیا می‌توان افرادی را که با هدف ارتکاب جرمی علیه امنیت کشور توافق کرده‌اند و برای انجام آن جرم با یکدیگر همکاری کرده‌اند، به عنوان مجرم تلقی کرد یا نه. به عبارت دیگر، آیا همکاری و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت عمومی نیز به عنوان جرم محسوب می‌شود، مشابه به نحوی که مقدمه حرام در مورد اقدامات مقدماتی برای ارتکاب عمل حرام مورد بررسی قرار می‌گیرد. (میرزایی، ۱۳۹۹، ص ۲۵)

برخی از علما، از جمله امام خمینی (ره)، به طور مطلق معتقدند که بین حرمت عمل حرام و حرمت مقدمات آن، رابطه‌ای الزامی وجود ندارد. (خمینی، ۱۴۱۵ ه ق، ص ۴۱۵)

برخی از علما، مانند آخوند خراسانی (ره)، بین مقدمات تولیدی (تسبیبی) و سایر انواع مقدمات تفکیک کرده‌اند. به این معنا که اگر مقدمه‌ای به گونه‌ای باشد که علت تامه تحقق عمل حرام را فراهم کند، به طوری که با انجام آن مقدمه، عمل حرام نیز به وقوع بپیوندد، چنین مقدمه‌ای حرام است. هرچند این نوع مقدمات بسیار نادر هستند، زیرا بیشتر مقدمات حرام به این شکل است که ممکن است فرد تمامی مقدمات برای ارتکاب عمل حرام را آماده کند، اما در نهایت اراده و قصد ارتکاب حرام را نداشته باشد، چرا که اختیار و اراده فرد، آخرین جزء علت وقوع عمل است. بنابراین، مقدماتی که تنها فراهم‌کننده شرایط هستند و خود به تنهایی موجب ارتکاب حرام نمی‌شوند، از نظر شرعی حرام نخواهند بود. (آخوند خراسانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸)

مرحوم «آقا ضیاء عراقی» تفصیل دیگری ارائه کرده است. او معتقد است که اگر مقدمه حرام به گونه‌ای باشد که جزء نهایی علت تامه برای وقوع عمل حرام باشد، در این صورت هیچ اشکالی در حرمت آن مقدمه وجود ندارد و می‌توان آن را از موضوع بحث خارج دانست. همچنین، اگر مقدمه حرام به عنوان علت تامه برای وقوع عمل حرام عمل کند، بدون هیچ تردیدی حرام است. اما در مواردی که مقدمه به این دو نوع تعلق نداشته باشد و فرد پس از انجام مقدمه هنوز اختیار داشته باشد که عمل حرام را انجام ندهد، در صورتی که عمل حرام در واقعیت تحقق نیابد، این مقدمه به خودی خود حرام نخواهد بود. در این حالت، تنها اگر فرد قصد داشته باشد که از طریق مقدمه به عمل حرام دست یابد، به عنوان متجری محسوب می‌شود. در صورتی که مقدمه از این دو دسته

نباشد و در نهایت عمل حرام به وقوع بپیوندد، در این حالت حرمت از عمل حرام به مقدمه نیز سرایت می‌کند. (عراقی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۱۷)

## ۵. شاخص های جرایم ضد امنیت

امنیت به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای زندگی افراد در هر جامعه، چه در زندگی قبیله‌ای و چه در زندگی شهری، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. تأمین امنیت در تمامی جوانب روابط اجتماعی انسان‌ها نقش اساسی و حیاتی دارد و پیوندی ناگسستنی با ذات و وجود بشر دارد. این مسئله به عنوان یکی از مسائل و مشکلات کلیدی در هر جامعه مطرح می‌شود، به گونه‌ای که یکی از اصلی ترین وظایف دولت‌ها، اتخاذ تدابیر و اقدام‌های مؤثر و کارآمد برای تأمین این نیاز اساسی است. دولت‌ها موظفند با طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب، امنیت عمومی را حفظ کرده و از آن در برابر تهدیدات و آسیب‌ها محافظت کنند. (مرتضوی، ۱۳۸۵، ص ۲۳)

به طور کلی، هر جرم تا حدی می‌تواند امنیت را به مخاطره بیندازد؛ این برداشت به مفهوم عمومی جرائم امنیتی مربوط می‌شود. اما در مفهوم خاص جرائم امنیتی که در نظر داریم، برخی جرائم به طور خاص به ارزش‌هایی که به امنیت جامعه مربوط می‌شوند، آسیب می‌زنند و تلاش دارند آن‌ها را تضعیف یا نابود کنند. با بررسی دقیق تر جرائم امنیتی خاص، به وضوح می‌توان مشاهده کرد که اکثر این جرائم، مانند جاسوسی، تحریک و اختلال در حاکمیت، به نحوی به حاکمیت آسیب می‌زنند. چرا که حاکمیت مسئول حفظ و تضمین امنیت و ثبات جامعه است و هر گونه آسیب به آن می‌تواند به طور مستقیم بر پایداری و امنیت عمومی تأثیر بگذارد. (کوشکی، ۱۳۹۴، ص ۹۹)

## ضابطه عینی و ذهنی

حقوقدانان برای شناسایی جرائم علیه امنیت و تفکیک آن‌ها از جرائم عادی، معیارهای مختلفی را تعیین کرده‌اند. یکی از این معیارها، معیار عینی یا موضوعی است. بر اساس این معیار، جرم زمانی به عنوان جرم علیه امنیت کشور محسوب می‌شود که در عمل به امنیت کشور آسیب بزند یا لطمه وارد کند، حتی اگر مرتکب جرم در عمل خود هدف سیاسی خاصی نداشته باشد. به عنوان مثال، قتل

رئیس‌جمهور از مصادیق جرائم علیه امنیت کشور به شمار می‌آید، چه این عمل به انگیزه‌های شخصی صورت گرفته باشد و چه با اهداف سیاسی همراه باشد. این معیار تأکید می‌کند که تأثیر عمل بر امنیت کشور، مهم‌تر از نیت یا انگیزه شخصی مرتکب جرم است. (زراعت، ۱۳۸۶ ص ۵۸)

معیار دیگری که برای شناسایی جرائم علیه امنیت کشور استفاده می‌شود، معیار ذهنی است. بر اساس این معیار، یک جرم به عنوان جرم علیه امنیت کشور محسوب می‌شود تنها زمانی که مرتکب با قصد اختلال در امنیت کشور آن را انجام داده باشد.

معیار دیگر این است که برای طبقه‌بندی یک جرم به عنوان جرم علیه امنیت، داشتن یکی از دو معیار ذهنی یا عینی به تنهایی کافی است؛ یعنی اگر جرم به طور عینی به امنیت کشور آسیب بزند یا مجرم با نیت اختلال در امنیت کشور اقدام کرده باشد، جرم می‌تواند به عنوان جرم علیه امنیت شناخته شود.

معیار چهارم، معیار مختلط است که بر اساس آن، برای این که یک جرم به عنوان جرم علیه امنیت کشور شناخته شود، باید هم معیار ذهنی و هم معیار عینی وجود داشته باشد؛ به این معنی که هم نیت مجرم باید اختلال در امنیت کشور باشد و هم عمل او باید به طور عینی به امنیت کشور آسیب بزند.

علاوه بر این، ضوابط دیگری نیز برای تشخیص جرائم علیه امنیت وجود دارند که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این ضوابط شامل معیارهای زیر هستند:

- معیار افکار عمومی: این معیار به این مسئله می‌پردازد که چگونه جرم در نظر عمومی و جامعه به عنوان تهدیدی برای امنیت شناخته می‌شود.
- معیار زمان وقوع جرم: این معیار بررسی می‌کند که جرم در چه زمانی ارتکاب یافته و آیا زمان وقوع آن تأثیری بر تعریف جرم به عنوان جرم علیه امنیت دارد یا خیر.
- معیار کیفیت وقوع جرم: این معیار به نحوه و شدت وقوع جرم توجه دارد و بررسی می‌کند که آیا جرم به میزان کافی جدی و خطرناک بوده است تا به عنوان جرم علیه امنیت شناخته شود.
- معیار شخصیت مجرم: این معیار به ویژگی‌های فردی و پیشینه مجرم می‌پردازد و بررسی می‌کند که آیا شخصیت و رفتارهای پیشین مجرم بر تشخیص جرم به عنوان جرم علیه امنیت تأثیرگذار است.

- معیار ارفاقی: این معیار به شرایط خاص و شفاف‌سازی می‌پردازد که ممکن است باعث شود جرم به عنوان جرم علیه امنیت محسوب نشود یا مجازات آن کاهش یابد. (همان)

برخی از حقوق‌دانان، مهم‌ترین معیار برای تعیین جرائم علیه امنیت کشور را معیار "ضرر مستقیم" می‌دانند. طبق این معیار، هرگاه جرم ارتكابی به طور مستقیم و اصلی به امنیت عمومی جامعه یا به حاکمیت کشور آسیب بزند، آن جرم در محدوده جرائم علیه امنیت قرار می‌گیرد، حتی اگر این آسیب به صورت خاص به تمامیت جسمانی یا اموال افراد جامعه وارد شده باشد. به عنوان مثال، جرائمی مانند جاسوسی که به طور مستقیم به امنیت کشور آسیب می‌زنند، تحت این تعریف به عنوان جرائم علیه امنیت شناخته می‌شوند.

در مقابل، اگر آسیب اصلی و مستقیم به افراد یا گروه‌های خاصی از جامعه وارد شود، و این آسیب بر امنیت عمومی به طور کلی تأثیر نگذارد، آن جرم از دایره جرائم علیه امنیت خارج می‌شود. به عبارت دیگر، اگر جرم صرفاً به ضرر گروه خاصی از افراد باشد و نه به امنیت عمومی یا حاکمیت کشور، این جرم در دسته جرائم علیه امنیت قرار نمی‌گیرد. (مجیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۵)

برخی بر این باورند که دولت‌ها نمی‌توانند تنها به یک تعریف کاملاً عینی و ملموس از جرائم علیه امنیت بسنده کنند. به عبارت دیگر، حفظ و تأمین حاکمیت نیازمند گسترش این تعریف به کمک مفاهیم ذهنی و غیرعینی است. به این معنی که صرفاً جرم‌هایی که آسیب مستقیم و اصلی به امنیت حکومت وارد می‌کنند، به عنوان جرم علیه امنیت شناخته نمی‌شوند. بلکه هر جرمی که با انگیزه آسیب رساندن به موجودیت حکومت یا تضعیف آن انجام گیرد نیز به عنوان جرم علیه امنیت محسوب می‌شود، حتی اگر زیان اصلی و مستقیم آن به دولت وارد نشود. (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵، ص ۶۰)

به طور خاص، این دیدگاه می‌گوید که جرائم باید با توجه به نیت و هدف مرتکب مورد بررسی قرار گیرند. به عنوان مثال، جرم‌هایی مانند جعل اسکناس، که ممکن است در ظاهر به امنیت اقتصادی یا مالی جامعه آسیب بزند، اما هدف اصلی آن می‌تواند آسیب به اعتبار و ثبات حکومت باشد. چنین جرائمی به رغم اینکه آسیب مستقیم‌شان ممکن است به دولت به طور خاص نباشد، به دلیل هدف و انگیزه‌ای که دارند، در زمره جرائم علیه امنیت کشور قرار می‌گیرند. این رویکرد تأکید می‌کند که مفهوم امنیت باید شامل آسیب‌هایی

باشد که به طور غیرمستقیم و به واسطه نیت سوء افراد به موجودیت و ثبات حکومت لطمه می‌زند. (ولیدی، ۱۳۷۷ ص ۱۶)

جرائم علیه امنیت داخلی شامل ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای است که با هدف برهم زدن امنیت و نظم عمومی کشور صورت می‌گیرد. این جرائم ممکن است شامل تخریب مراکز دولتی و نظامی، خرابکاری در تأسیسات عمومی که به هزینه دولت ساخته شده‌اند، یا تلاش برای آسیب رساندن به حیات اعضای قوه مجریه و مقابله با دولت به منظور سرنگونی آن باشد. این دسته از جرائم معمولاً بدون نیاز به دخالت نیروهای خارجی، امنیت داخلی کشور را تهدید می‌کند و به صورت مستقیم بر ثبات و نظم داخلی کشور تأثیر می‌گذارد.

به عبارت دیگر، جرائم علیه امنیت داخلی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که به طور عمدی و هدفمند برای مختل کردن وضعیت امنیتی و نظم عمومی کشور، آسیب رساندن به تأسیسات و مراکز دولتی، و تهدید حیات مقام‌های اجرایی کشور صورت می‌گیرد. این جرائم ممکن است به شکل داخلی و بدون همکاری با قدرت‌های خارجی انجام شود، اما تأثیرات مخربی بر امنیت و ثبات کشور خواهند داشت. (ولیدی، پیشین، ص ۱۷)

طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه با شماره ۱۳۹۱/۳ مورخ ۱۳۹۰/۹/۱۳، جرائم مربوط به امنیت خارجی و داخلی به بزه‌هایی اطلاق می‌شود که در مواد ۵۳۳ تا ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۳۴ و دیگر قوانین مرتبط ذکر شده‌اند. به عبارت دیگر، این جرائم شامل اقداماتی هستند که هدف مرتکب آن‌ها برهم زدن امنیت داخلی یا خارجی کشور یا ایجاد اختلال در امنیت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

در این زمینه، "امنیت داخلی" به معنای اقداماتی است که به نظم و ثبات داخلی کشور آسیب می‌زنند، مانند تخریب مراکز دولتی یا تهدید حیات مقامات اجرایی. "امنیت خارجی" به جرائم مربوط به آسیب به روابط بین‌المللی یا تهدیدات خارجی کشور اشاره دارد. همچنین، "امنیت اقتصادی" شامل اقداماتی است که به آسیب رساندن به نظام اقتصادی کشور و به هم زدن تعادل اقتصادی آن منجر می‌شود. این تعریف تأکید می‌کند که هدف اصلی ارتکاب این جرائم باید به خطر انداختن امنیت کشور در ابعاد مختلف آن باشد. (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۵)



به نظر می‌رسد که نباید محدود به مصادیق جرائم علیه امنیت فقط به موارد ذکر شده در فصل اول کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۹۳۴ پرداخت. زیرا برخی از اقدامات، مانند سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی، نیز می‌توانند به عنوان جرائم علیه امنیت در نظر گرفته شوند.

در حقوق کیفری آلمان، ماده ۳۱ به شرح چند نمونه از مصادیق جرائم علیه امنیت پرداخته و مجازات‌های مربوط به خیانت بزرگ علیه کشور را پیش‌بینی کرده است. این ماده به وضوح تهدید و خشونت به منظور برهم زدن امنیت کشور یا تغییر رژیم حکومتی را به عنوان مصادیق این نوع جرائم در نظر می‌گیرد. بدین ترتیب، جرائم علیه امنیت کشور تنها محدود به موارد خاصی نمی‌شود و شامل انواع اقداماتی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به امنیت و ثبات کشور آسیب می‌زنند یا تلاش می‌کنند تا نظم و حاکمیت کشور را تحت تأثیر قرار دهند. (زراعت، پیشین، ص ۵۷)

## نتیجه

جرم تبانی علیه امنیت کشور، با توجه به اهمیت ویژه‌ای که در تحلیل جرائم امنیتی دارد، به عنوان یک پدیده پیچیده و تأثیرگذار در قوانین و اصول فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله، به تفصیل به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این جرم پرداخته شد تا روشن گردد که چگونه تبانی می‌تواند به تهدید جدی امنیت ملی و تهییج نارضایتی عمومی منجر شود.

با مطالعه دقیق مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری تبانی، مشخص شد که اصول فقهی اسلامی مانند قاعده سد ذرائع، قاعده تجری، و قاعده حرمت اعانت بر اثم نقش اساسی در تعریف و جرم‌انگاری تبانی دارند. این اصول، با تأکید بر ضرورت جلوگیری از هرگونه اقدام که ممکن است به ضرر جامعه تمام



شود، به جرم‌انگاری تبانی در فقه اسلامی اعتبار بخشیده و پیوستگی عمیق آن با اصول اخلاقی و دینی را نمایان کرده‌اند.

در حقوق مدرن، نیز تبانی علیه امنیت کشور در قوانین مختلف، از جمله قانون مجازات عمومی سال ۱۹۰۵، به‌طور خاص جرم‌انگاری شده است. این قوانین با تعیین مجازات‌های ویژه برای جرم تبانی، هدفمندانه به مقابله با تهدیدات امنیت ملی پرداخته و با تأسیس چارچوب‌های قانونی، اقدام به حفاظت از استقلال و حاکمیت کشور کرده‌اند.

این مقاله همچنین به تحلیل شاخص‌های جرایم ضد امنیت و تمایزات آن‌ها از جرایم عادی پرداخت. نتیجه‌گیری شده است که جرایم ضد امنیت، به‌طور خاص، به دلیل تأثیر مستقیم و عمده‌ای که بر ثبات و امنیت ملی دارند، از جنبه‌های مختلف به‌ویژه نیازمند رسیدگی ویژه و اقدامات پیشگیرانه هستند. تبانی به‌ویژه از این منظر که می‌تواند به‌طور بالقوه آسیب‌های جدی به امنیت کشور وارد کند، مورد توجه ویژه قرار گرفته و نیاز به نظارت و مجازات‌های سخت‌گیرانه را ضروری ساخته است.

در نهایت، این مقاله به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف جرم تبانی علیه امنیت کشور پرداخت و نشان داد که درک عمیق از این پدیده، به‌ویژه با توجه به مبانی فقهی و حقوقی آن، برای تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر در مبارزه با این نوع جرائم حائز اهمیت است. با توجه به یافته‌های این مقاله، پیشنهاد می‌شود که تدابیر پیشگیرانه و قانونی برای مقابله با تبانی و سایر جرایم ضد امنیتی تقویت شده و به‌طور مداوم مورد بازنگری قرار گیرد تا به امنیت ملی و ثبات کشور به‌طور مؤثر محافظت گردد.



## منابع

### الف: کتاب ها

- ۱- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۳- پوربافرانی، حسن، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر جنگل، ۱۳۸۸.
- ۴- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- ۵- سلیمان موسی، محمود، الجرائم الواقعة على أمن الدولة، نشر دارالمطبوعات الجامعية، طبعه الاول، ۲۰۰۹.
- ۶- مجیدی، محمود، جرائم علیه امنیت، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۷- مرتضوی، سعید، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۸- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، پیشینه رویه قضایی در ایران در ارتباط با قانون مجازات اسلامی، جلد پنجم، تهران، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، 1396.
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، دایره المعارف فقه مقارن، جلد یکم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) چاپ اول، ۱۴۲۷ ه ق.
- ۱۰- موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، جلد دوم، تهران، انتشارات عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱.
- ۱۱- ولیدی، محمد صالح، جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر داد، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

### ب: مقالات، پایان نامه ها

- ۱- شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ هاشم، آل طه، بررسی قلمرو حکم تجری در فقه امامیه و شمول آن بر جرائم ناتمام، مجله فقه و اصول، سال ۵۱، شماره ۳، ۱۳۹۸.

- ۲- شیخ الاسلامی، محمد علی، واکاوی معنا و مفهوم اعانه بر اثم در آرای فقهای امامیه، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و هفتم، شماره ۱۰۱، تابستان ۱۳۹۴.
- ۳- یزدیان، جعفری، تقابل امنیت فردی و ملی در جرایم علیه امنیت، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شمار چهاردهم، بهار ۱۳۹۵.
- ۴- میرزایی، محمد، بررسی تطبیقی تبانی و تحریک در جرائم علیه امنیت در حقوق ایران و کشورهای عربی (لبنان و مصر)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه حقوق قم، تابستان ۱۳۹۹

ج: سایت ها

- ۱- سایت مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei>